



مانده، مختلف و گوناگون است. در بعضی از موارد، پرسشها و شبهات اعتقادی است و زمانی سؤالهای تفسیری و قرآنی، و بعضاً شبهات فقهی و یا تاریخی است و گاهی پرسشهای شخصی و موردی.

آنچه پیش رو دارید جمع‌آوری مهم پرسشها و پاسخهایی است که از آن حضرت به یادگار مانده است.

### پرسشهای اعتقادی

#### الف. قضا و قدر

حسن بن ابی الحسن بصری<sup>۱</sup>

۱. وی «حسن بن یسار» مادرش «خیره» کنیز «ام سلمه» همسر رسول خدا ﷺ است. او از طرفداران مسلک «قدری» بوده و در این زمینه

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام از امامان هدایتگری است که لحظه‌ای از راهنمایی، نصیحت و هدایت مردم غافل نشده است. چه در دوران امامت پدرش علی علیه السلام و برادرش امام حسن علیه السلام و چه در دوران امامت خویش این وظیفه را به صورت تام و تمام انجام داده است.

هدایتهای حضرت گاه از طریق سخنرانی و خطبه‌ها بوده است و بعضی اوقات از طریق ملاقاتها و نامه‌ها، و گاهی از مسیر پاسخ دادن به پرسشها و شبهات.

پرسشهایی که از آن حضرت شده و پاسخهایی که از آن امام همام به یادگار

دَعَاهُمْ وَتَزَكِي مَا عَنَّهُ نَهَاهُمْ؛ خداوند متعال، به اجبار اطاعت نمی‌شود و به جبر هم معصیت نمی‌شود و بندگان را هم [در انتخاب راه زندگی] طبق حکمت به حال خود رها نکرده است؛ بلکه خداوند مالک آن چیزی است که بندگان دارند و قادر بر آن چیزی است که بندگانش قدرت دارند؛ پس اگر بندگان دنبال طاعت بروند، خداوند مانعشان نمی‌شود و اگر به دنبال معصیت بروند، اگر بخواهد بر آنها منت می‌گذارد و بین آنها و گناه مانعی را ایجاد می‌کند و اگر این کار را نکند، معنایش این نیست که پس بندگان را قهراً بر آن مجبور و وادار ساخته است؛

نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشته و در آن از قضا و قدر الهی پرسید. حضرت در جواب فرمود: «فَاتَّبِعْ مَا سَرَحْتُ لَكَ فِي الْقَدْرِ مِمَّا أَفْضَى إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَسُرُّهُ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ حَمَلَ الْمَنَاصِيءَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ افْتِرَاءً عَظِيماً؛ آنچه از مفهوم «قدر» به ما اهل بیت رسیده است برای تو شرح می‌دهم، از آن پیروی کن! به راستی کسی که به قدر خوب یا بدش ایمان نیاورد، کافر شده است. و کسی که گناهان را به حساب خداوند گذارد [و خود را تبرئه کند]، افتراپی بزرگ به خداوند بسته است.»

و در ادامه چنین بیان داشتند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُطَاعُ بِإِكْرَاهٍ وَلَا يُعْصَى بِعَقْلِيَّةٍ وَلَا يَهْتَمُّ الْعِبَادُ فِي الْحِكْمَةِ لِكَيْتَهُ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ وَالْقَادِرُ لِمَا عَلَيْهِ أَقْدَرُهُمْ فَإِنْ ائْتَمَرُوا بِالطَّاعَةِ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ ضَادٌّ عَنْهَا مُبْطِئًا وَإِنْ ائْتَمَرُوا بِالْمَعْصِيَةِ فَنَسَاءُ أَنْ يَمُنَّ عَلَيْهِمْ فَيَحْوِلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا ائْتَمَرُوا بِهِ فَعَلَّ وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ هُوَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا قَسراً وَلَا كَلَفَهُمْ جَبْراً، بَلْ يَتَمَكِّيهِ إِيَّاهُمْ بَعْدَ إِعْذَارِهِ وَإِنذَارِهِ لَهُمْ وَاحْتِجَاجِهِ عَلَيْهِمْ طَوْقَهُمْ وَمَكْتَبَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى أَخْذِ مَا أَلْسَبَهُ»

مکاتباتی با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام داشته است. شاگردش «ابن ابی العوجا» مادی مسلک معروف است.

حسن از منحرفین و معترضین به امیر المؤمنین علیه السلام بود و بر اثر نفرین آن حضرت همیشه محزون بود. مانند کسی که از دفن رفیقش برگشته و یا گمشده‌ای دارد. خود می‌گفت: «نفرین مرد صالحی دامن مرا گرفته است.» حضرت لقب «سامری امت» را به او داد. (ر.ک: توحید صدوق، جامعه مدرسین قم، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، ج ۴۱، ص ۳۰۲.)

سوگند به خدا! راه من و یارانم همین است و حمد مخصوص او می باشد.»  
در این جملات امام حسین علیه السلام به خوبی مسلک «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیْضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ» را بیان نموده اند. ایشان هم اختیار انسان را به خوبی ثابت کرده اند و هم به توحید افعالی حضرت حق و ساحت قدس او خدشه وارد ننموده اند.

#### ب. خداشناسی

برخی از گروه های اسلامی که از معارف اهل بیت علیهم السلام دور افتادند، بر اثر پیروی از قیاس در مباحث خداشناسی دچار تشبیه و تجسیم و تجسید و... گشتند و برای خدا دست و پا و چشم و... قائل شدند و خدا را قابل رؤیت و دیدار دانستند. به راستی تنها مذهبی که توحید و خداشناسی را به صورت صحیح و قابل استدلال ارائه داد، مذهب شیعه است و آن هم به

بلکه بعد از انذار و ارشاد و اتمام حجت، آنان را بر اعمال مسلط کرده است.

خدا بر بندگان خود راهی نهاده است که بتوانند او امر و دستورات او را انجام دهند و منهیات او را ترک نمایند.»

سپس فرمودند: «جَعَلَهُمْ مُسْتَطْبِعِينَ لِأَخْذِ مَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ شَيْءٍ وَغَيْرِ أَخْذِهِ وَلِتُرَكَّ مَا نَهَاهُمْ عَنْهُ مِنْ شَيْءٍ وَغَيْرِ تَارِكِيهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ عِبَادَهُ أَقْوِيَاءَ لِمَا أَمَرَهُمْ بِهِ يَتَأَلَوْنَ بِتِلْكَ الْقُوَّةِ وَمَا نَهَاهُمْ عَنْهُ وَجَعَلَ الْعُذْرَ لِمَنْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ السَّبِيلَ [السَّبَبَ] حَمْدًا مُقْبِلًا فَأَنَا عَلَى ذَلِكَ أَذْهَبُ وَيَهُ أَقُولُ وَاللَّهِ أَنَا وَأَصْحَابِي أَيْضًا عَلَيْهِ وَلَهُ الْحَمْدُ؛<sup>۱</sup> خداوند بر بندگانش توانایی و نیرومندی عطا فرمود تا فرامینش را اجرا کنند و از آنچه نهی فرموده روی گردانند. سپس خدایی را که بندگانش را بر انجام او امر خود نیرومند و توانا کرده و با این توان و نیرو او امر و نواهی او را بجا می آورند و آنان را که قدرت نداده، معذور دانسته و این سپاس مورد قبول درگاهش واقع شود. من هم رهرو این راهم و اعتقادم نیز همین است و

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۷۱، بلاغة الحسين، محسن موسوی حائری، تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۷؛ فقه الرضا، ص ۴۰۸، حدیث ۱۱۸؛ تحف العقول، ص ۱۶۲؛ فرهنگ سخنان امام حسین، محمد دشتی، انتشارات مشهور، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۵۲۱.

را معرفی کرده است: با حواس درک نمی‌شود و با مخلوقات مقایسه نمی‌گردد. او [به موجودات] نزدیک است؛ ولی نه پیوسته و متصل و از آنان دور است؛ ولی نه با فاصله. یکتا و بی‌همتا است و تجزیه پذیر نیست. او با نشانه‌ها [آفرینش] شناخته می‌شود و با [قوانین هستی و] علامات توصیف می‌شود. نیست معبودی جز او که بزرگ و بلند مرتبه است.»

ج. امامت

#### ۱. آفرینش انوار اهل بیت علیهم السلام

انوار وجودی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام پیش از آنکه پدیده‌ای آفریده شود وجود داشت و حضرت آدم و دیگر پیامبران الهی با نام و یاد آنها راز و نیاز و طلب استغفار می نمودند.

حبیب بن مظاهر اسدی روزی از حضرت امام حسین علیه السلام پرسید یا ابا عبد الله! پیش از آفرینش آدم شما

برکت وجود و حضور اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. حدیث زیر نمونه‌ای از این برکات و افاضات الهی اهل بیت علیهم السلام است.

نافع بن ازرق سؤالاتی درباره خداشناسی از امام حسین علیه السلام پرسید. حضرت در جواب فرمود: «يَا نَافِعُ إِنَّ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرُ فِي الْأَزْمَانِ مَائِلًا عَنِ الْمِنْهَاجِ ظَاعِنًا فِي الْأَعْوِجَاجِ ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ قَائِلًا غَيْرِ الْجَمِيلِ؛ ای نافع! آن کس که دینش را بر پایه قیاس بنا نهد، همواره بر [منجلاب] خطا فرو رود و از جاده مستقیم حق منحرف می‌گردد. این چنین فردی راه را گم می‌کند [و در کجی و نادرستی گام می‌نهد] و سخنی ناپسند می‌گوید.»

حضرت ادامه می‌دهند: «يَا بَنَ الْأَزْرَقِ أَصِفْ إِلَهِي بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَأَعْرِفْهُ بِمَا عَرَفَ بِهِ نَفْسَهُ لَا يَذْرُكُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ فَهَوَّ قَرِيبٌ غَيْرٌ مُلْتَصِقٍ وَبَعِيدٌ غَيْرٌ مُنْقَصٌ يُوَحَّدُ وَلَا يُبَعَّضُ مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ لِإِلَهٍ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُنْتَعَالُ؛ ای پسر ازرق! معبودم را آن‌چنان توصیف می‌کنم که خود کرده است و آن‌چنان معرفی می‌کنم که خود

۱. توحید شیخ صدوق، جامعه مدرسین قم، ص ۷۹، ح ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۲۴، ج ۲، ص ۳۰۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۱، ح ۲۶۰.

آیا «صاحب الامر» شما هستید؟ پاسخ داد: نه. پرسیدم آیا فرزند شما است؟ فرمود: نه. پرسیدم: آیا فرزند فرزند شما است؟ پاسخ داد: نه، گفتم: پس صاحب الامر کیست؟ فرمود: «الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا، عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأَيَّامِ تَأْتِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بُعِثَ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ»<sup>۳</sup> کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که پر از ستم شده باشد. پس از آنکه دوران [طولانی] فاصله‌ای از حضور امامان بگذرد، او خواهد آمد، چنان‌که رسول خدا پس از فاصله‌ای از حضور پیامبران گذشته مبعوث گشت.»

عیسی خُشَّاب می‌گوید: از حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سؤال کردم: آیا صاحب الامر شما هستید؟ حضرت پاسخ داد: «لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ

چگونه بودید؟ حضرت فرمود: «كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ تَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَتُعَلِّمُ الْمَلَائِكَةَ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّحْمِيدَ»<sup>۱</sup> ما موجودات نورانی بودیم که بر گرد عرش الهی دور می‌زدیم و به فرشتگان تسبیح و تحلیل و تحمید را یاد می‌دادیم.»

۲. علم غیب امام

جُعِيد همدانی از یاوران امام حسین علیه السلام بود که همراه امام در کربلا به شهادت رسید. چون در طول سفر ده‌ها نمونه از علم غیب امام را دید، پرسید: جانم فدای تو یا ابا عبد الله! چگونه نسبت به افراد و آینده آنان این‌گونه دقیق اظهار نظر می‌فرمایید؟ فرمود: «يَا جُعَيْدُ نَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ فَإِذَا عَيْنُنَا عَنْ شَيْءٍ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ»<sup>۲</sup> ای جعید! ما به روش خاندان داود حکم می‌کنیم و هر گاه نسبت به مسئله‌ای در مانده شویم، روح القدس ما را کمک می‌کند.»

۳. صاحب الامر

شعيب بن ابي حمزه نقل می‌کند: روزی بر امام حسین علیه السلام وارد شدم و پس از سلام و احترامات لازم پرسیدم:

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۷، ح ۲۲؛ بصائر الدرجات، ص ۴۵۲، ح ۷.

۳. عقد الدرر، ابن عبد العزیز مقدس شافعی (متوفای ۷۰۰ هـ)، بی‌تا، ص ۱۵۸؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۲.

شده است.»

پاسخ به چنین پرسشهایی در این دوران ساده جلوه می‌کند، اما در دوران اختناقی که امام حسین علیه السلام در آن به سر می‌برده و مردم، کسانی چون معاویه و یزید را امیر المؤمنین می‌خواندند و در شام تنها قرابت و خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله را معاویه و یزید می‌دانستند، بسیار عمیق و کارگشا بوده است.

۵. تولد مهدی علیه السلام

هر چند در این زمان تولد حضرت مهدی و غیبت او، از مهمات و قطعیات در نزد شیعه و جمعی از محققان اهل سنت است، ولی در عصر امام حسین علیه السلام این امر هنوز تحقق نیافته بود.

نقل شده است که جمعی در حضور امام حسین علیه السلام پیرامون امام مهدی علیه السلام بحث می‌کردند. شخصی پرسید: یا ابا عبد الله! آیا حضرت

الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ الْمَكْتَنِي بِعَمِّهِ؛<sup>۱</sup> نه، صاحب الامر آن مخفی شده و در نهان است که به خون خواهی پدرش برخواهد خواست و با لقب عمویش خوانده می‌شود.»

۴. قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

حضرت در جمعی فرمودند: «قائم ما قیام می‌کند و از ستمگران انتقام می‌گیرد.»

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا!

قائم شما کیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «السَّائِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِي وَهُوَ الَّذِي يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا

وظلمًا؛<sup>۲</sup> هفتمین امام از فرزندان پسر محمد بن علی است. او حجّت خدا، فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی پسر من است. او است که مدت طولانی از دیده‌ها پنهان می‌شود؛ سپس آشکار شده، زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که پر از ستم و تجاوز

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۶؛ کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۱۸؛ معجم احادیث المهدی، ج ۳، ص ۱۸۰، ح ۷۰۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۷۰۴؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۶.

شنیدم که فرمود: کسی که بدون علم از قرآن سخن بگوید، جایگاهش در آتش خواهد بود. «وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ اللَّهُ «اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ صَمَدٌ» ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ خداوند متعال صمد را تفسیر نموده به اینکه «خداوند یکتا است» و «خداوند بی نیاز است». آن گاه این را تفسیر کرده به اینکه نزیاییده و زاده نشده و هیچ موجودی همتای او نیست.»

«لم یلد» یعنی اجسام مادی و حجم دار از او متولد نشده، مانند فرزند که از مخلوقها متولد می شود. همین طور اشیای لطیف مثل «نفس» هم از او متولد نشده است. و هیچ یک از عوارض مادی مانند خواب، غم، غصه، شادی، خنده، گریه، ترس، امید، گرسنگی و تشنگی در او نیست.

خداوند منزّه است از اینکه مانند مادیات از چیزی متولد شود، یا چیزی

مهدی هم اکنون متولد شده است؟  
امام حسین علیه السلام فرمود: «لَا وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَبَآمَ حَيَاتِي»<sup>۱</sup> خیر، ولی اگر او را درک کنم، تا زنده ام او را خدمت می کنم.»

۶ پس از ظهور مهدی علیه السلام

از امام حسین علیه السلام پرسیدند: پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیکوکاری چگونه است؟

حضرت در جواب فرمود: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمًا وَيَدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ»<sup>۲</sup> همه خیرها در آن زمان است که قائم ماقیام می کند و همه این زشتیها را از میان برمی دارد.»

### سؤالات و شبهات تفسیری

در این بخش نیز حضرت پاسخهای نغز و زیبایی دارد که به نمونه هایی اشاره می شود:

#### ۱. معنای صمد چیست؟

مردم بصره طی نامه ای از امام حسین علیه السلام در رابطه با تفسیر کلمه صمد سؤال کردند. حضرت در پاسخ فرمود: «در قرآن خوض و مجادله نکنید و بدون علم و آگاهی از آن سخن نگویند که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. عقد الدرر، ص ۱۶۰، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۳.

۲. عقد الدرر، ص ۶۳؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۰۵، ح ۹.

از او متولد شود. «ولم یولد» یعنی اینکه نه از چیزی زاییده شده و نه از عنصری پدید آمده، مانند: اجسام مادی که از عناصر مادی پدید می آیند؛ بدان گونه که حیوانات از یکدیگر، یا گیاه از زمین و آب از چشمه و میوه از درخت به وجود می آیند؛ همین طور خداوند مانند اجسام لطیف و غیر مادی نیست که از محلی سرچشمه می گیرند، مثل بینایی از چشم و شنیدنی از گوش و بوییدنی از قوه شامه و طعم از دهان و کلام از زبان و معرفت و شناخت از دل و آتش از سنگ، ذات باری تعالی مانند هیچ یک از اینها نیست. «بَلْ هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يَمُنُّ شَيْءٌ وَلَا فِی شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ مُّبْتَدِعُ الْأَشْيَاءِ وَخَالِقُهَا وَمُنشِئُ الْأَشْيَاءِ بِقُدْرَتِهِ يَتَلَّشَى مَا خَلَقَ لِلْفَنَاءِ بِمَشِيئِهِ وَيَبْقَى مَا خَلَقَ لِلْبَقَاءِ بِعِلْمِهِ فَذَلِكُمْ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»<sup>۱</sup> او خدای صمد است که نه از چیزی پدید آمده و نه در چیزی جا گرفته و نه بر چیزی قرار گرفته است. [بلکه] پدیدآورنده و خالق اشیا است و همه چیز را با دست قدرت خود به وجود آورده است. آنچه را برای فنا و نابودی خلق کرده است،

با خواست او فنا می پذیرد و آنچه را برای بقا خلق کرده، با علم او باقی می ماند. این خدای صمد است که نه زاییده شده و نه چیزی از او زاییده می شود.

امام حسین علیه السلام در جواب عده دیگری که از تفسیر واژه «صمد» پرسیدند، فرمود: «الصَّمَدُ الَّذِي لَا جَوْفَ لَهُ وَالصَّمَدُ الَّذِي قَدْ انْتَهَى سُودُهُ وَالصَّمَدُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَالصَّمَدُ الَّذِي لَا يَتَأَمُّ وَالصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ»<sup>۲</sup> صمد آن موجودی است که دارای خلأ نیست. صمد آن کسی است که سیادت و بزرگیش به نهایت رسیده است. صمد آن وجودی است که نمی خورد و نمی نوشد [و تغذیه ندارد]. صمد آن وجودی است که خواب بر او راه ندارد و صمد آن ذات ابدی است که همواره بوده و نابود نمی شود.

## ۲. تفسیر الشمس وضحیها

حارث بن عبد الله اعور می گوید:

۱. توحید صدوق، ص ۹۰؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۵۶۵.  
 ۲. توحید صدوق، ص ۹۰، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۲؛ نور الثقلین حویزی، ج ۵، ص ۷۱۱، ح ۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۲۵.



روایت فوق آمده، در واقع بیان باطن قرآن است و از مصادیق آیات می‌باشد. خود امام حسین علیه السلام فرمود: «کتاب خدا چهار بخش است: عبارات، رمزها، اشاره‌ها، لطایف و حقایق. اما عبارات، پس برای عوام مردم است و اشاره و رموزات از آن خواص است و لطایف آن برای اولیا است و حقایق آن برای پیامبران و انبیا.»<sup>۲</sup>

### ۳. آیه ۱۹ سوره حج

نضر بن مالک می‌گوید: خدمت امام حسین علیه السلام رسیدم و گفتم: ای ابا عبد الله! معنای آیه ۱۹ سوره حج که می‌فرماید: «هَذَا نَحْنُ وَبَنُو آمِيَّةَ إِخْتَصَمْنَا وَابْنَاؤُهَا» «اینان دو گروهند که با هم به مخاصمه و مجادله پرداختند.» چیست؟ فرمود: «نَحْنُ وَبَنُو آمِيَّةَ إِخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا كَذَبَ اللَّهُ فَنَحْنُ وَابْنَاؤُهَا النَّحْضَانِ»

خدمت حضرت ابا عبد الله الحسين علیه السلام رسیدم و از تفسیر سوره شمس پرسیدم و در ابتدای سخن گفتم: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» یعنی چه؟ ایشان در جواب فرمود: «... يَا حَارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ وَقُلْتُ «وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا» قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَتْلُو مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَقُلْتُ «وَالنَّهَارُ إِذَا جَلِيهَا» قَالَ ذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا قَالَ قُلْتُ «وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا» قَالَ ذَلِكَ بَنُو آمِيَّةَ،<sup>۱</sup>

... ای حارث! مراد از شمس محمد رسول خدا است. پرسیدم: معنای قسم به ماه که پس از خورشید می‌آید چیست؟ فرمود: این ماه علی بن ابی طالب است که پس از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آید. پرسیدم «سوگند به روز و روشنایی آن» به چه معنا است؟ فرمود: این روز روشن حضرت قائم علیه السلام از خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. گفتم این آیه چیست؟ «و قسم به شب زمانی که سایه گستر شود.» فرمود: مراد بنی امیه است.»

توجه داشته باشیم آنچه در

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۹، ح ۲۰؛ تفسیر فرات کوفی، فرات بن کوفی (متوفای ۳۰۰ هجری)، ص ۵۶۳، ح ۷۲۱، و.ر.ک: تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۵، ص ۳۳۳، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰، ح ۱۸؛ جامع الاخبار، ص ۱۱۶.

مصادیق آیه شریفه است که مراد از آیه اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه هستند؛ چون قرآن اختصاص به زمان و مکان معینی ندارد.

#### ۴. آیه مودت

از حضرت ابا عبد الله در مورد آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْوُدَّ فِي الْقُرْبَىٰ﴾<sup>۳</sup> «بگو از شما پاداشی نمی خواهم، جز آنکه خویشاوندان مرا دوست بدارید»، توضیح خواسته اند. حضرت در جواب فرمود: «وَأَنَّ الْقَرَابَةَ النَّبِيُّ أَمَرَ اللَّهُ بِصَلَاتِهَا وَعَظَّمَهَا وَجَعَلَ الْخَيْرَ فِيهَا قَرَابَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ حَقًّا عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ»<sup>۴</sup> خویشاوندی که خداوند دستور رعایت آن را داد و حق آن را بزرگ شمرد و خیر و برکات را در آن قرار داد، دوستی و خویشاوندی ما اهل بیت پیامبر است که رعایت حق ما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ما و بنی امیه بر سر مسئله [حق پرستی و] خدا به دشمنی پرداختیم. ما گفتیم خدا راست می گوید و آنان خدا را تکذیب کردند. ما و آنها در روز قیامت دشمن هم هستیم.»

در نقل سعید همدانی که از همین آیه ۱۹ سوره حج پرسید، در پاسخ فرمود: «ما بنی هاشم با بنی امیه دو گروهی هستیم که بر سر خدا پرستی با یکدیگر خصومت و دشمنی داریم.»<sup>۱</sup> در اینکه مراد از آیه فوق چیست، تفاسیر مختلفی شده که غالب آنها از باب انطباق است. به قرینه آیات قبلی، این دو دسته «الَّذِينَ آمَنُوا» و «الَّذِينَ أَشْرَكُوا» هستند.

ابوذر غفاری قسم یاد کرد که این آیه درباره شش نفر در جنگ بدر نازل شده است، حمزه، علی علیه السلام و عبیده بن حارث در دسته مؤمنان، و عتبه، شیبه و ولید بن عتبه در زمره کافران و مشرکان و علی علیه السلام هم فرمود: «من اول کسی هستم که برای مخاصمه در پیشگاه الهی روز قیامت برمی خیزم.»<sup>۲</sup>

بیان سید الشهداء علیه السلام یکی از

۱. خصال شیخ صدوق، ترجمه مدرس گیلانی، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۳۳، ح ۱۳۶؛  
المیزان، علامه طباطبائی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۳۶۴؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۸۰، ح ۲.  
۲. تفسیر کبیر، فخر رازی، دار الکتب العلمیه، تهران، ج ۲۳، ص ۲۱.  
۳. شوری، ۲۳.  
۴. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۱، ح ۲۷.

را بر هر مسلمانی واجب کرد.»

۵. آیه ۴۱ سوره حج

از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که از حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام از معنای آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> پرسیدند. حضرت فرمود: «هَذِهِ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۲</sup> این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است.»

۶. آیه «أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ»

عمرو ابی نصیر نقل می کند که در مراسم حج به هنگام طواف کعبه، شخصی از اهل بصره خدمت امام حسین علیه السلام رسید و پرسید: واژه «نعمة» در آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»<sup>۳</sup> پس نعمت پروردگارت را بازگو کن.» چه معنایی دارد؟ فرمود: «أَمْرُهُ أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ دِينِهِ»<sup>۴</sup> خداوند پیامبرش را امر کرد که همواره دینش [یعنی اسلام] را که خداوند به او نعمت داد، یاد کند.»

۷. ناس و نسناس

امام سجاد علیه السلام نقل نموده که روزی شخصی خدمت امیر

المؤمنین علیه السلام آمد و پرسید: «النَّاسُ وَأَشْبَاهُ النَّاسِ وَتَسْنَسُ» در قرآن چه معنایی دارد؟ حضرت علی علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای حسین! جواب این مرد را بده. حضرت فرمود: «أَمَّا قَوْلُكَ أَخْبِرْنِي عَنِ النَّاسِ فَنَحْنُ النَّاسُ وَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِي كِتَابِهِ «ثُمَّ أُفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ»<sup>۵</sup> فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي أَفَاضَ بِالنَّاسِ؛ اینکه گفתי «ناس» چیست، پس ما ناس هستیم و به همین جهت خداوند بزرگ و برتر در قرآن آورده است «پس از همان راهی که مردم [از مشعر به منی] باز می گردند، باز گردید؛ پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی است که مردم را باز می گرداند.» سپس ادامه داد: «وَأَمَّا أَشْيَاءُ

۱. «کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»  
۲. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۸۰، ح ۲.  
۳. الضحیٰ/ ۱۱.

۴. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۳، ح ۹، وج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۱۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۲، ح ۴۴؛ تحف العقول، بخش سخنان امام حسین، ص ۱۷۶.

۵. بقره/ ۱۹۹.

النَّارِ،<sup>۲</sup> سوگند به خدا من و یاران من را به سوی بهشت می برند و مروان و دوستان او را به سوی آتش جهنم می برند.»

### پاسخهای فقهی و فلسفه احکام

#### ۱. لبیک گفتن

عکرمه می گوید: از مزدلفه همراه امام حسین علیه السلام بودم که مرتب «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» می گفت تا رسیدیم به جمره «جایگاه شیطان» که دیگر نفرمود.

از آن حضرت پرسیدم: آیا جایز است از مزدلفه تا اینجا لبیک گفت؟ فرمود: «سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يُهْلُ حَتَّىٰ انْتَهَىٰ إِلَى الْجَمْرَةِ وَحَدَّثَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهَلَ حَتَّىٰ انْتَهَىٰ إِلَيْهَا»<sup>۳</sup> از پدرم علی بن ابی طالب شنیدم که لبیک می گفت تا رسید به جمره [و جایگاه شیطان] و پدرم علی علیه السلام به من خبر داد که همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لبیک گفت تا

النَّاسِ فَهُمْ شَيْعَتُنَا وَهُمْ مَوَالِينَا وَهُمْ مِنَّا وَلِذَلِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»؛ اما اینکه گفتم «اشباه الناس» پس آنان شیعیان و پیروان ما هستند و آنان از ما می باشند، برای همین جهت ابراهیم [پیامبر علیه السلام] فرمود: پس کسی که از من پیروی کند، از من است.»

و بعد فرمود: «وَأَمَّا قَوْلُكَ التَّنَسُّسُ فَهُمْ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى جَمَاعَةِ النَّاسِ ثُمَّ قَالَ «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»؛<sup>۱</sup> و اما سخنت درباره [پرسش از] تنسّاس، پس آنان انبوه جمعیت موجود [و توده مردم] هستند و با دست به سوی جمعیت اشاره کرد و سپس گفت که خدا فرمود: نیستند آنها جز همانند چهارپایان، بلکه از آنان گمراه ترند.»

خالی از لطف نیست در ذیل این پاسخ، پاسخی را مطرح کنیم که حضرت امام حسین علیه السلام در جواب مروان فرمود.

مروان بن حکم از جایگاه معنوی دوستان و یاران امام سؤال کرد. حضرت در پاسخ فرمود: «وَاللَّهِ زُوِدْتُ أَنَا وَأَصْحَابِي إِلَى الْجَنَّةِ وَزِدَّ هُوَ وَأَصْحَابُهُ إِلَى

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۵، ح ۲، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۱، ح ۶۸؛ کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۳۳۹.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۶، ح ۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۳۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۲۹، ح ۱.  
 ۳. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ج ۵، ص ۱۴۸؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۳۸.

رسید به جمعه.

## ۲- روزه

مسروق نقل می‌کند که روز عرفه خدمت امام حسن علیه السلام رفتم او را دیدم که در جمع یاران و دوستان نشسته، از غذاهای موجود تناول می‌فرماید. کمی بعد برخواستم و خدمت امام حسین علیه السلام رسیدم. دیدم که روزه دار است. پرسیدم برادرت امروز را افطار می‌کند و شما روزه دارید؟ حضرت فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَ كَانَ إِمَامًا فَأَفْطَرَ لِأَبِي يَتَّخِذُ صَوْمَهُ سُنَّةً وَلِيَتَأَسَى بِهِ النَّاسُ فَلَمَّا أَنْ قَبِضَ كُنْتُ أَنَا الْإِمَامَ فَارْذْتُ أَنْ لَا يَتَّخِذَ صَوْمِي سُنَّةً فَيَتَأَسَى النَّاسُ بِِي»<sup>۱</sup> برادر امام مردم است. پس امروز را روزه نگرفت تا مردم روزه داری او را سنت [قطعاً] نپندارند و از او پیروی کنند؛ پس هر گاه برادر من از دنیا برود، من امام و رهبر جامعه هستم. آنگاه من هم سعی می‌کنم که مردم روزه‌داری مرا سنت نپندارند که از من پیروی کنند [بلکه بدانند که مستحب است، خواستند روزه بگیرند و یا ترک کنند].»

در جایی دیگر از امام حسین علیه السلام پرسیدند: چرا خداوند بر بندگان خود

روزه را واجب کرده است؟

فرمود: «لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُودَ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمَسَاكِينِ»<sup>۲</sup> تا ثروتمند مزه گرسنگی را بچشد و آنگاه بر بینوایان احسان و بخشش کند.»

## ۳. ازدواج فرزندان آدم

از مسائلی که جوانان، فراوان می‌پرسند، مسئله ازدواج فرزندان آدم است. می‌خواهند بدانند که چگونه نسل آدم فزونی یافت؟ شخصی خدمت امام حسین علیه السلام آمد و گفت: آیا درست است که می‌گویند فرزندان پسر و دختر آدم با یکدیگر ازدواج کردند؟ حضرت فرمودند: «حَاشَا لِلَّهِ كَانَ لِآدَمَ ابْنَانِ وَهُمَا شَيْثٌ وَعَبْدُ اللَّهِ، فَأَخْرَجَ اللَّهُ لِشَيْثٍ حَوْرَاءَ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَخْرَجَ لِعَبْدِ اللَّهِ امْرَأَةً مِنَ الْجَنِّ قَوْلًا لِهَذَا وَوُلِدَ لِدَلِيك»<sup>۳</sup> نه به

۱. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دارالاضواء، بیروت، ج ۲، ص ۶۷؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۴۱؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۸۶؛ ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۳، ح ۳.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۶؛ ح ۱۹۳؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۷۵.

۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۴، ص ۳۶۳؛ ح ۱۶۹۶۳؛ فرهنگ سخنان

اهل بیت علیهم السلام، ص ۸۷

انجام بده و آنگاه هر چه می خواهی گناه کن. اول: روزی خدا را نخور و هر چه می خواهی گناه کن. دوم: از حکومت خدا خارج شو و هر چه می خواهی گناه کن. سوم: جایی را انتخاب کن که خداوند ترا نبیند و هر چه می خواهی گناه کن. چهارم: وقتی عزرائیل برای گرفتن جانت آمد، او را از خود دور کن و هر چه می خواهی گناه کن. پنجم: زمانی که مالک دوزخ ترا به سوی آتش می برد، در آتش وارد شو و هر چه می خواهی گناه کن.»

حضرت خواست غیر مستقیم بفرماید که توجه به اینکه انسان سر سفره الهی است و همیشه در محضر او است و قیامت و مرگی نیز برای محاسبه اعمال در کنار است و از حکومت و عذاب الهی نمی توان فرار کرد، انسان را از گناه باز می دارد.

#### ۲. درخواست موعظه

امام صادق علیه السلام می فرماید: «شخصی به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از حضرت تقاضا کرد که «عِظَتِي

خدا سوگند! هرگز! حضرت آدم دو فرزند پسر به نام «شیث» و «عبد الله» داشت. [وقتی هنگام ازدواج آنها فرا رسید،] خداوند برای «شیث» زنی از جنس حوریان بهشتی و برای «عبد الله» زنی از جنس جنیان آماده ساخت [که با آن دو ازدواج کردند] و فرزندان آن دو از این طریق به دنیا آمدند.»

#### سوالات اخلاقی و مشاوره‌ای

در این بخش نیز حضرت پاسخهای کارساز و کارگشایی دادند که به نمونه‌هایی اشاره می شود:

#### ۱. روش ترک گناه

جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت من مردی گناهکارم و نمی توانم خود را از انجام گناهان باز دارم. مرا نصیحتی بفرما. حضرت در جواب فرمود: «افْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَأَذِيبَ مَا مَا شِئْتَ فَأَوَّلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلُ رِزْقَ اللَّهِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتَ وَالثَّانِي أَخْرِجْ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتَ وَالثَّلَاثُ أَطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَأَذِيبَ مَا شِئْتَ وَالرَّابِعُ إِذَا جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ يَتَقَبَّضُ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَأَذِيبَ مَا شِئْتَ وَالثَّامِسُ إِذَا ادَّخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتَ»<sup>۱</sup> پنج کار را

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶، ح ۷؛ جامع الاخبار، ص ۳۵۹، ح ۱۰۰۱.

بِخَرْقَيْنِ؛ مرا با دو جمله موعظه کنید.»  
 امام حسین علیه السلام در جواب نوشت: «مَنْ  
 حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُوا وَ  
 أَسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَخْذَرُ»<sup>۱</sup> آنکه از راه  
 معصیت خداوند بخواهد به کاری  
 برسد، آنچه را از دست می‌دهد بیشتر  
 است از آنچه که امید دارد. و اگر از راه  
 معصیت بخواهد چیزی را از خود دفع  
 کند، آن چیز زودتر به سراغ او می‌آید  
 که خود را از آن برحذر داشت.»

### ۳. خیر دنیا و آخرت

شخصی از اهالی کوفه به محضر  
 امام حسین علیه السلام چنین نوشت: «يَا سَيِّدِي  
 أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ای آقای من!  
 خیر دنیا و آخرت را به من معرفی کن.»  
 حضرت در پاسخ او چنین نوشت:  
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ مَنْ طَلَبَ  
 رِضَى اللَّهِ يَسْخَطِ النَّاسَ كَفَاءَ اللَّهِ أُمُورَ النَّاسِ  
 وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ يَسْخَطِ اللَّهَ وَكَلَهُ اللَّهُ  
 إِلَى النَّاسِ»<sup>۲</sup> بنام خدای بخشنده مهربان،  
 بعد از ستایش پروردگار، هر کسی در پی  
 خشنودی خدا باشد و مردم از او برنجند،  
 خداوند او را در امور مردم کفایت خواهد  
 کرد. و هر کسی برای جلب رضایت مردم  
 بکوشد که به غضب الهی بیانجامد، خداوند

او را به مردم واگذارد.»

### ۴. راهنمایی در امر ازدواج

شخصی از اهل مدینه در امر  
 ازدواج خود با امام حسین علیه السلام مشورت  
 کرد و گفت: به نظر شما با فلان زن که  
 سرمایه فراوانی دارد ازدواج بکنم؟  
 حضرت فرمود: نه، من خوش ندارم با  
 آن زن ازدواج کنی؟ مشورت کننده به  
 راهنمایی امام حسین علیه السلام توجه نکرد.  
 بعد از ازدواج با آن زن همه چیز خود را  
 از دست داد و تمام سرمایه‌های او از  
 بین رفت، دوباره نزد امام حسین علیه السلام  
 آمد و با او مشورت کرد، حضرت  
 فرمود: «قَدْ أَشْرَتْ إِلَيْكَ فَخَلَّ سَبِيلَهَا فَإِنَّ اللَّهَ  
 يُعَوِّضُكَ خَيْرًا مِنْهَا؛ من به تو تذکر دادم که  
 با آن ازدواج نکن، از او بگذر [و به  
 سراغ همسری دیگر باش] که خداوند  
 بهتر از آن را به تو خواهد بخشید.»

۱. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، دار احیاء التراث  
 العربی، بیروت (۲۰ جلدی)، ابواب امر به  
 معروف، ج ۱۱، ص ۴۲۱.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۷۱، ح ۳، وج ۷۸،  
 ص ۲۶، ح ۸؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۶۷؛  
 اختصاص شیخ مفید، مؤسسة النشر الاسلامی،  
 قم، چاپ هفتم، ص ۲۲۵؛ معادن الحکمة، ج ۲،  
 ص ۴۵، ح ۱۰۲.

یعنی شرایط حاکم بر جامعه و زمان فرق می‌کند. گاهی با صلح و زمانی با قیام خونین می‌شود اسلام را حفظ کرد.<sup>۲</sup>

۲. پاسخ قاطع به فرماندار مکه

«عمرو بن سعید» بعد از اطلاع از تبلیغات گسترده امام حسین علیه السلام و اطلاع مردم از اینکه حضرت دست به قیام می‌زند، به آن حضرت اعتراض کرد و گفت: ای حسین! از خدا نمی‌ترسی که وحدت امت اسلامی را به تفرقه و جدایی تبدیل می‌کنی؟ حضرت در پاسخ فرمود: «لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> «عمل من به من اختصاص دارد و عمل شما به شما اختصاص دارد. شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم.»

### ۳. انفاق سیاسی

وقتی مروان بن حکم فرماندار

سپس فرمود: «وَعَلَيْكَ بِفَلَانَةٍ؛ [ای مرد!] با فلان زن ازدواج کن.» آن شخص این بار به رهنمود امام عمل نمود. به زودی زندگی او تغییر کرد و صاحب اموال و فرزندان شد.<sup>۱</sup>

### سؤالات سیاسی و تاریخی

در این بخش حضرت پاسخهای فراوانی دارد که نمونه‌هایی را منعکس می‌کنیم:

#### ۱. جواب جابر

جابر بن عبد الله انصاری وقتی شنید که امام حسین علیه السلام آماده خارج شدن از مدینه است، خدمت ایشان رسید و گفت: وقتی امکانات مقابله با ستمکاران نباشد، تو هم مانند برادرت امام حسن علیه السلام با اینها صلح کن. به تحقیق برادرت در این سیاست موفق بود و شجاعت داشت. حضرت پاسخ داد: «يَا جَابِرُ قَدْ فَعَلَ أَحْسَىٰ ذَلِكَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَآمَرَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنِّي أَيْضًا أَفْعَلُ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَآمَرَ رَسُولُهُ؛ ای جابر! برادرم به فرمان خدای بزرگ و پیامبر او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل کرد [و با آنها صلح کرد] و من نیز به فرمان خدا و پیامبرش عمل می‌کنم [و قیام می‌کنم].»

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۲، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲، ح ۱۰؛ اثبات الهداة، حر عاملی، ج ۵، ص ۱۹۱، ح ۲۹، و ص ۲۰۵، ح ۶۳.  
 ۲. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۸۸.  
 ۳. بونس/۴۱.



پیش روی من، مرگ مرا می طلبد و حساب تماشاچیان می کند و من در گرو عملم هستم. آنچه دوست دارم نمی یابم و آنچه بد می دارم نمی توانم از خود دور کنم و زمام امور در دست دیگری است. اگر او خواست عذابم می کند و اگر خواست عفو می کند؛ پس چه نیاز مندی از من نیازمندتر است.»

## ۲. چه رنگی را دوست داری

جبرئیل نزد پیامبر آمد و عرض کرد: از حسنین بپرس چه رنگی را دوست می دارند تا با اذن الهی لباس در همان رنگ تهیه شود. امام حسن علیه السلام گفت: «أُرِيدُهَا خَضْرَاءَ؛ من رنگ سبز را دوست دارم.» امام حسین در جواب پیامبر که فرمود چه رنگی را دوست داری پاسخ داد: «يَا جَدُّهُ أُرِيدُهَا خَضْرَاءَ؛<sup>۴</sup> من رنگ سرخ را دوست می دارم.»

مدینه، فرزدق شاعر<sup>۱</sup> را بیرون کرد، پناه به امام حسین علیه السلام آورد. حضرت چهارصد دینار به او بخشید و او را مورد محبت قرار داد. برخی به امام حسین علیه السلام اعتراض کردند که فرزدق شاعر خوش نامی نیست، چرا به او کمک کردید؟ فرمود: «إِنَّ خَيْرَ مَالِكَ مَا وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ وَقَدْ أَصَابَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَبَ بِنِ زُهَيْرٍ وَقَالَ فِي عَبَّاسِ بْنِ مَرْزَدَاسٍ إِنْ قَطَعُوا لِسَانَهُ عَنِّي؛<sup>۲</sup> بهترین اموال تو آن است که با آن آبروی خود را حفظ کنی. رسول خدا به کعب بن زهیر پاداش داد، و در مورد عباس بن مرداس فرمود: با پاداش دادن، زبان او را نسبت به من ببندید.»

## پاسخهای متفرقه

### ۱. چگونه صبح کردی؟

شخصی از امام حسین علیه السلام پرسید: ای پسر رسول خدا! چگونه صبح کردی؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «أَصْبَحْتُ وَلى رَبِّ فَوْقِي وَالنَّارُ أَمَامِي وَالمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَالجَسَابُ مُخَدِّقِي وَآنَا مَرْتَهِنٌ بِعَمَلِي لَا أُجِدُّ مَا أَحِبُّ وَلَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَالأُمُورُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنْ شَاءَ عَذَّبْتَنِي وَإِنْ شَاءَ عَفَى عَنِّي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي؛<sup>۳</sup> صبح کردم در حالی که پروردگار بالای سرم و آتشی در

۱. «همام بن غالب بن صعصعه» مشهور به «فرزدق» حق بزرگی در ادبیات عرب دارد. غالب قصیده‌ها و اشعار او در مدح خلفای غاصب اموی است.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۶۲؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۲.  
 ۳. امالی شیخ صدوق، ص ۴۸۷، مجلس ۸۹، ج ۳، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶، ج ۱.  
 ۴. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۸۲.